

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۱

ability	توانایی	call	نامیدن	cross out	حذف کردن، از دور خارج کردن
absence	غیبت	catch (a) cold	سرد شدن، سرما خوردن	danger	خطر
absorb	جذب کردن	certain	معین، خاص، مطمئن	date	تاریخ، خرما
according to	بر طبق	character	ویژگی، شخصیت	deal with	سر و کار داشتن، مدیریت کردن
achieve	رسیدن به، دستیابی	charge	شارژ کردن، هزینه	delivery	توزیع، پخش، تحویل
action	اقدام، عمل	china plate	بشقاب چینی	demand	تقاضا کردن، تقاضا
activity	فعالیت	classmate	همکلاسی	digest	هضم کردن، خلاصه
actually	واقعاً	clean energy	انرژی پاک	disability	ناتوانی
advice	نصیحت، توصیه	client	مشتری، موکل	distance	فاصله، مسافت
air conditioner	دستگاه تهویه	cloth	لباس، پارچه	document	سند، مدرک
alternative	گزینه، جایگزین	clue	نشانه، سرنخ	dread	ترسیدن، ترس
amount	مقدار	coal	ذغال	economy	اقتصاد، صرفه جویی
ancient	باستانی، قدیمی	collector	جمع آوری کننده	electric car	خودروی برقی
anger	خشم، عصبانیت	come on	زود باش، عجله کن	electricity	برق، الکتریسیته
another	دیگر، دیگری	come up with	کشف کردن، یافتن	engine	موتور
apologize for	غذرخواهی کردن برای	community	جامعه، اجتماع	enough	کافی، بس
apply for a job	تقاضای شغل دادن	compare	مقایسه کردن	environment	محیط زیست
around	اطراف، حدوداً	component	جزء، مؤلفه	equivalent	برابر، معادل
as a result of	در نتیجه ی	conclude	نتیجه گیری کردن	especially	مخصوصاً
as well	همچنین	concluding sentence	جمله ی نتیجه	factory	کارخانه
at birth	هنگام تولد	confusing	گیج کننده	fall asleep	به خواب رفتن
atmosphere	جو، اتمسفر	consider	در نظر گرفتن	falling water	آبشار
baby	نوزاد، کودک	consist of	متشکل شدن از	fan	پنکه، باد بزن
background	زمینه، سابقه	constantly	دائماً، پیوسته	fantastic	خارق العاده، خیالی
balcony	ایوان، بالکن	consume	مصرف کردن	feather	پر
barbecue	کباب خوری	convert into sth	تبدیل شدن به	figure	عدد، رقم، شکل
BC (Before Christ)	پیش از میلاد حضرت مسیح	cook (v,n)	آشپز، پختن	fill	پر کردن
be worried about	نگران چیزی بودن	cool (v,adj)	خنک، خنک کردن	finally	سرانجام
benefit	امتیاز، مزیت	cooperate	همکاری کردن	find out	یافتن، متوجه شدن
blow	وزیدن، دمیدن	correct	درست، تصحیح کردن	fitness	تناسب اندام
broth	سوپ، آبگوشت	cost	هزینه، ارزش داشتن	flashlight	چراغ قوه
building	ساختمان، بنا	count	حساب کردن	flock	رمه، گروه، گرد آمدن
burn (burnt)	سوزاندن، سوختن	counterpart	همتا، معادل	fly (flew, flown)	پرواز کردن
		create	خلق کردن، ساختن		

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۲

fond	مشتاق، علاقه مند	kite	بادبادک	organic	طبیعی، اصلی، آلی
forever	برای همیشه	landfill	محل دفن زباله	outlet	خروجی، پریز
form	تشکیل دادن	last	آخر، طول کشیدن	overcome	غلبه کردن
formula	فرمول	lead to	منجر شدن به	pay	پرداختن
fossil fuel	سوخت فسیلی	leader	رهبر	perfect	کامل، بی نقص
future generation	نسل بعدی	LED light bulb	لامپ برق ال ئی دی	Persia	ایران
gadget	دستگاه، ابزار	less	کمتر	planet	سیاره
garbage	زباله، آشغال	light (v,n,adj)	روشن کردن، روشنایی، سبک	plug in	به برق وصل کردن
gasoline	بنزین	like	مثل	Pluto	سیاره پلوتون
charity	کار خیر	likelihood	احتمال	Solar System	منظومه شمسی
get familiar with	آشنا شدن با	liquid fuel	سوخت مایع	pollute	آلوده کردن
get ready	آماده شدن	load	بار، بارگذاری کردن	portable	قابل حمل، سبک
gift	هدیه، کادو	local	محلی، بومی	power	قدرت، انرژی
give off	منتشر کردن، بیرون دادن	lower	کم کردن، پایین آوردن	practical	عملی، کاربردی
goal	هدف	machine	دستگاه، ماشین	principal	اصلی، مدیر
gradually	تدریجاً، به تدریج	magic	جادویی، سحر آمیز	proverb	ضرب المثل
hand washing	شستن با دست	main	اصلی، مهم	racehorse	اسب مسابقه
harm	صدمه، آسیب زدن	margin	حاشیه	radiation	انتشار، تشعشع
harmful	مضر	material	ماده، جنس	reach	رسیدن
hatch	از تخم در آمدن	Mercury	سیاره عطارد	reason	دلیل
heartbeat	ضربان قلب	mind	ذهن، خاطر	recent	اخیر، جدید
herd	گله، رمه، جمع شدن	monitor	کنترل کردن، صفحه	reduce	کاهش دادن
highway	بزرگراه	نمایش		regular	منظم
however	هرچند	mouth	دهان	remember	به یاد آوردن
hybrid car	خودروی ترکیبی	namely	یعنی، به نام	remind	یاد آوری کردن
hydropower	تولید انرژی با آب	natural	طبیعی	remote-controlled car	خودروی کنترلی از راه دور
illness	بیماری	Neptune	سیاره نپتون	renewable	تجدید پذیر
inform	اطلاع دادن	next to	کنار، نزدیک	repeat	تکرار کردن
introduce	معرفی کردن	no longer	دیگر	replace	جایگزین کردن
job	کار، شغل	nobody	هیچکس	require	نیاز داشتن
joint	مفصل	nonrenewable	تجدید ناپذیر	review	مرور کردن
Jupiter	سیاره مشتری	nowadays	امروزه	revolve	چرخیدن، دور زدن
kinetic	جنبشی، حرکتی	obey	اطاعت کردن	if	اگر، که آیا
mechanical power	انرژی مکانیکی	oil resources	منابع نفتی	rich	غنی، ثروتمند
		on the basis of	بر اساس		

واژگان درس سوم کتاب زبان دوازدهم - صفحه ۳

river	رودخانه	take photograph	عکس انداختن	yard	حیات
roll	غلتیدن، دَوَران کردن	take sth in	جذب کردن چیزی		
roof	سقف، پشت بام	take the place of	جای چیزی را گرفتن		
run	راه اندازی کردن	therefore	بنابر این		
running water	آب جاری	thus	بنابر این		
heat (v,n)	گرم کردن، گرما	tide	جذر و مد		
Saturn	سیاره زُحل	together	با همدیگر		
save	ذخیره کردن، نجات دادن	traffic rules	مقررات راهنمایی رانندگی		
select	انتخاب کردن	truck	کامیون		
separate	جدا کردن، مجزا	turbine	توربین		
shelf	قفسه	turn	چرخیدن		
shiny panel	صفحه ی براق	unit	واحد، دستگاه		
sight	بینایی، دید	until	تا زمانی که		
sign	علامت، امضا کردن	upset	ناراحت، افسرده		
since then	از آن زمان به بعد	Uranus	سیاره اورانوس		
snack	خوراکی مختصر	use up	مصرف کردن		
solar power	انرژی خورشیدی	vacuum cleaner	جارو برقی		
space station	ایستگاه فضایی	valuable	ارزشمند		
special	خاص	variety	تنوع، تغییر		
spoil	فاسد شدن، خراب کردن	Venus	سیاره زهره		
stable	پایدار، طولانی	Mars	سیاره مریخ		
stone	سنگ	videophone	تلفن تصویری		
store	ذخیره کردن، فروشگاه	visible	مرئی، قابل دیدن		
stove	اجاق خوراک پزی	voluntary	داوطلبانه		
string light bulb	لامپ برق رشته ای	wait	منتظر ماندن		
strong	قوی	warn	هشدار دادن		
structure	سازه، ساختار	waste	هدر دادن، چیز زائد		
succeed	موفق شدن	weigh	وزن داشتن		
such as	از قبیل	well-known	معروف		
suitcase	چمدان	wheel	چرخ		
sunshine	تابش خورشید	whether	خواه...خواه، که آیا		
supply sb with sth	برای کسی چیزی فراهم کردن	while	زمانی، اما		
surround	احاطه کردن	wind	باد		
swimming pool	استخر شنا	wind tower	برج بادی، بادگیر		
		worm	کرم		